جوان چمدان به دست از ساختمان بیرون آمد. امین از ماشین پیاده شد و به سمتش رفت. نتوانستم تاب بیاورم. نمی‌دانستم چه رفتاری درست است فقط پیاده شدم و به سمتشان حرکت کردم. نزدیک که شدم مرا دید. خنده بر لبانش ماسید. بغض توی گلوم اجازه حرف زدن نمی‌داد. قدمی به سمتم برداشت و گفت صبر کن توضیح می‌دهم. چیزی نگفتم و سربرگرداندم سمت زنی که کنارش ایستاده بود. آن لحظه تنها جمله‌ای که بر سر زبانم جاری شد این بود که تو خجالت نمی‌کشی؟ لحظه‌ای به این فکر کردی که امین متأهل است. به امین نگاه کردم و در ادامه گفتم من به کنار حداقل به سپهر هم فکر می‌کردی. چیزی که در جواب شنیدم هضمش برایم سنگین بود. «من کار خلاف شرعی نکردم خانم محترم. من و امین ازدواج کردیم. آن هم کاملاً قانونی و با اجازه دادگاه. به هر حال شما یک بیماری صعب‌العلاج داشتید. اگر هم به این زندگی مخفیانه تن دادم فقط به خاطر این بود که امین ازم درخواست کرد تا مدتی صبر کنم.» هنوز داشت ادامه می‌داد ولی من دیگر نمی‌شنیدم. امین سرش را پایین انداخته بود و حرفی نمی‌زد. دیگر جای ایستادن نبود. سهم من از همسرم همین بود و بس!

● شرایط گزینش همسر دوم در قانون حمایت خانواده

علی‌رغم اجازه شرعی به مردان برای گزینش چهار همسر دائم، در قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ و همچنین قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ در مواردی که نسخ نگردیده، شرایطی برای آن در نظر گرفته شده که شایان توجه است.

بنابر ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ که هم‌اکنون حکمفرما می‌باشد برخلاف فقه اسلامی، اصل بر ممنوعیت ازدواج مجدد مردان قرار داده شده و استثنائاتی نیز بر آن مقرر گردیده است. این استثنائات عبارتند از:

۱. رضایت همسر اول ۲. عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی ۳. عدم تمکین زن از شوهر ۴. ابتلای زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج ۵. محکومیت زن به حبس بیش از شش ماه ۶. ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر ۷. ترک زندگی خانوادگی از طرف زن ۸. عقیم بودن زن ۹.غایب و مفقودالاثر شدن زن.

همانطور که در ماده ملاحظه می‌شود اگر موارد بند ۲ تا ۹ وجود نداشته باشد، زوج تنها در صورت اخذ رضایت از همسر اول و اجازه دادگاه می‌تواند زوجه دیگری اختیار کند. همچنین اگر زوج از دادگاه درخواست احراز یکی از بندهای ۲ تا ۹ را بنماید و دادگاه تحقق آن را احراز ننماید، زوج نمی‌تواند همسر دوم اختیار نماید در غیر اینصورت اگر مردی بدون اجازه دادگاه تن به ازدواج مجدد بدهد از آنجاکه ثبت ازدواج دائم در دفاتر رسمی الزامی می‌باشد و وی نمی‌تواند به ثبت واقعه ازدواج خود اقدام نماید، به جزای نقدی یا حبس ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده محکوم می‌گردد. البته این مجازات برای عدم ثبت ازدواج دائم پیش‌بینی شده است نه ازدواج موقت. به همین دلیل هم می‌باشد که مردان برای فرار از این مسأله که مشمول ماده مذکور قرار بگیرند به عبارت دیگر برای در امان بودن از عواقب عدم ثبت ازدواج دائم، اقدام به ازدواج موقت می‌نمایند.

زوج تنها در صورت اخذ رضایت از همسر اول و اجازه دادگاه می‌تواند زوجه دیگری اختیار کند. همچنین اگر زوج از دادگاه درخواست احراز یکی از بندهای ۲ تا ۹ را بنماید و دادگاه تحقق آن را احراز ننماید، زوج نمی‌تواند همسر دوم اختیار نماید در غیر اینصورت اگر مردی بدون اجازه دادگاه تن به ازدواج مجدد بدهد از آنجاکه ثبت ازدواج دائم در دفاتر رسمی الزامی می‌باشد و وی نمی‌تواند به ثبت واقعه ازدواج خود اقدام نماید، به جزای نقدی یا حبس ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده محکوم می‌گردد

حقوق قانونی زن در صورت ازدواج مجدد همسرش



در این راستا باید بیان داشت که در سند ازدواج یا همان عقدنامه یکسری شروط از قبل تنظیم شده وجود دارد که در صورت امضای زوج، زوجه وکیل در طلاق می‌گردد. از جمله این شروط، شرط ۱۲ می‌باشد بدین شرح که «زوج همسر دیگری بدون رضایت زوجه اختیار نماید». اعم از اینکه زوج به‌صورت دائم همسر دوم اختیار کند یا به‌صورت موقت. در ابتدا این امر بین حقوقدانان محل اختلاف قرار گرفته بود بدین توضیح که برخی بر این نظر بودند، شرط مذکور در عقدنامه مقید نیست و زوجه در این صورت وکیل در طلاق می‌شود و امکان طلاق با دریافت تمام مهریه برای او فراهم می‌شود ولو اینکه زوج به حکم دادگاه اقدام به ازدواج مجدد نموده باشد. این دسته از حقوقدانان برای تقویت موضع خود به‌نظریه مشورتی ۳۶۴۲/۷ مورخ ۱۳۸۲/۵/۴ اداره حقوقی استناد می‌نمودند که در آن آمده است: «سؤال: چنانچه در قباله نکاحیه به زوجه اختیار وکالت تفویض شده باشد که در صورت ازدواج مجدد، زوجه بتواند خود را مطلقه نماید و زوج به علت عدم تمکین زوجه از دادگاه ازدواج دوم را بگیرد آیا این امر موجب محرومیت زوجه از حق استفاده از وکالت‌نامه برای طلاق می‌شود یا خیر؟ نظریه اداره کل حقوقی قوه قضائیه: طبق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی زوج و زوجه به شرایطی که ضمن عقد قرار داده‌اند مأخوذه و مقید می‌باشند و تحصیل اجازه ازدواج مجدد، به علت عدم تمکین زوجه از زوج از دادگاه، منافی شرط ضمن عقد بین زوج و همسر اول نیست. بنابراین، چنانچه به زوجه به موجب شروط مندرج در قباله نکاحیه، در صورت انتخاب همسر دوم از ناحیه زوج، وکالت جهت درخواست طلاق داده شده باشد می‌تواند از آن استفاده نماید.» اما رأی وحدت رویه شماره ۷۱۶ مورخ ۱۳۸۹/۷/۲۰ در خصوص ازدواج مجدد زوج به‌دلیل نشوز زوجه، به این اختلاف پایان داد. بدین توضیح که مطابق با این رأی اگر زوج با کسب اجازه از محضر دادگاه به‌دلیل قصور زن از ایفای وظایف زناشویی، زوجه دیگری اختیار نماید وکالت زوجه در طلاق که به حکم ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی ضمن عقد نکاح شرط و مراتب در سند ازدواج ذیل بند ب شرایط ضمن عقد در ردیف ۱۲ قید گردیده، محقق و قابل اعمال نیست. لکن در موارد دیگر زن وکیل در طلاق می‌باشد. چراکه مطابق ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی، تمکین از زوج تکلیف قانونی زوجه است و نمی‌تواند بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع ورزد. نکته شایان ذکر دیگر این است که در صورت ازدواج مجدد زوج بدون رضایت همسر اول و بدون اجازه دادگاه نیز علی‌رغم اینکه زوجه وکالت در طلاق دارد باید بیان داشت که ازدواج دوم به هیچ عنوان قابلیت ابطال ندارد. در نهایت در خصوص داستان روایت شده نیز هرچند زوج با اجازه دادگاه به‌دلیل بیماری صعب‌العلاج زوجه اقدام به ازدواج مجدد نموده لکن زوجه در صورتی که زوج شرط ۱۲ عقدنامه را امضا نموده باشد، وکیل در طلاق است و می‌تواند با دریافت تمام مهریه و سایر حقوق قانونی خود از زوجه طلاق بگیرد.

وکیل الرعایا

وکیل الرعایا
لیلا حیدری
وکیل پایه یک دادگستری

می‌توانید سؤال‌های حقوقی خود را از طریق نشانی ایمیل iranbanoo@icpi.ir با مشاور حقوقی ما در میان بگذارید.

● قبل از جدایی از همسرم، چندین شکایت علیه یکدیگر در دادسرا طرح کرده بودیم. من بابت ترک انفاق و ضرب و شتم علیه او و او هم شکایت سرقت پول و طلا علیه مرا طرح کرده بود. همه دعواها در دادسرا به خاطر نداشتن دلایل خاتمه پیدا کرد. الان از همسرم جدا شده‌ام. برای تأسیس آرایشگاه، اتحادیه مربوطه گواهی عدم سوءپیشینه مطالبه کرده است. خیلی نگرانم که در این مرحله از گرفتن جواز، تهمت دو سال پیش همسرم در دادسرا بابت سرقت، برایم مشکل ساز شود. آیا مشکلی از این بابت ایجاد خواهد شد؟

وکیل الرعایا: ارتکاب و محکومیت به برخی جرایم موجب محرومیت افراد از بعضی از حقوق اجتماعی می‌شود. «حقوق اجتماعی» حقوقی است که برای اتباع ایران یا سایر افراد مقیم در قلمرو و حاکمیت آن منظور شده و سلب آن فقط به موجب قانون به حکم دادگاه است. از جمله این حقوق می‌توان به نمایندگی مجلس شورای اسلامی، خبرگان، ریاست جمهوری، عضویت در انجمن‌ها، شوراها، جمعیت‌ها، یا اشتغال به روزنامه نگاری، استخدام دولت، وکالت دادگستری، تصدی دفاتر اسناد رسمی و امثالهم اشاره کرد.

هر شکایت یا اتهامی مادامی که منجر به صدور حکم محکومیت نشود، سوءپیشینه محسوب نمی‌شود. از این رو شکایت افراد علیه یکدیگر الزاماً می‌باید منجر به صدور حکم محکومیت شود و صرف شکایت علیه کسی، سوءپیشینه محسوب نمی‌شود. در بین محکومیت‌ها هم فقط برخی از آنها - که جرم آن در زمره جرایم مهم است- به‌عنوان سوءپیشینه تحت عنوان «محکومیت‌های کیفری مؤثر» مانع برخورداری از حقوق اجتماعی فوق الذکر می‌شود. از جمله این جرایم سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، اختلاس، شرب خمر و زنا می‌باشد.

با این وصف، شما نباید نسبت به شکایت همسرتان به اتهام سرقت، نگران باشید زیرا همانگونه که خود اشاره کرده اید، این شکایت به خاطر نداشتن دلایل، منجر به صدور منع تعقیب به نفع شما شده است. پس نمی‌تواند به‌عنوان یک سوءپیشینه برای اشتغال به کار مدنظرتان مانعی باشد.

● آیا زندانی بودن بدهکار موجب کاهش بدهی او می‌شود؟

وکیل الرعایا: زندانی شدن محکوم اگر بابت جزای نقدی باشد، موجب کاهش بدهی‌اش می‌شود، لکن اگر بدهکاری بابت دین به اشخاص ثالث باشد اعم از محکومیت در پرونده حقوقی یا رد مال در پرونده کیفری، مادام که حکم اعسار یا اعسار به تقسیط محکوم به صادر نشده، در زندان خواهد بود و موجب کاهش بدهی‌اش نخواهد شد.